



کمتر کسی است که جمله معروف امام در اواخر ریاست‌جمهوری بنی‌صدر را نشنیده باشد؛ جمله‌ای که با اینکه به شکلی کاملاً عامیانه طرح می‌شود اما عمیقا به پایبندی به قانون و رای مردم تأکید دارد. «باید حدود معلوم بشود. آقای رئیس‌جمهور حدودش در قانون اساسی چه هست، یک قدم آن‌ور بگذارد من با او مخالفت می‌کنم. اگر همه مردم هم موافق باشند، من مخالفت می‌کنم. آقای نخست‌وزیر حدودش چقدر است، از آن حدود نباید خارج بشود. یک قدم کنار برود با او هم مخالفت



می‌کنم. مجلس حدودش چقدر است، روی حدود خودش عمل کند. شورای نگهبان حدودش چقدر است، قوه قضائیه حدودش چی است، قوه اجراییه. قانون معین شده است. نمی‌شود از شما پذیرفت که ما قانون را قبول نداریم. غلط می‌کنی قانون را قبول نداری! قانون تو قبول ندار. نباید از مردم پذیرفت، از کسی پذیرفت، که ما شورای نگهبان را قبول نداریم. نمی‌توانی قبول نداشته باشی. مردم رأی دادند به اینها».

امام خمینی در طول حیات خویش بارها قبول قانون و التزام به رای مردم را ثابت کرده‌اند. حضرت ایشان، بعدها در ماجرای عزل آیت‌الله منتظری از قائم‌مقامی رهبری ضمن اشاره به عدم موافقت ابتدایی و قلبی با منتظری و باززرگان، اعلام می‌کنند: «والله قسم، من رای به ریاست‌جمهوری بنی‌صدر ندادم». با این همه اما، امام خمینی(ره) رای مردم را می‌پذیرند و تا زمانی که بنی‌صدر توسط یکی از نهادهای قانونی که باز هم برآمده از رای مردم است، یعنی مجلس شورای اسلامی برکنار نمی‌شود، امام حکمی برای برکناری بنی‌صدر صادر نمی‌کنند. در حالی که کشور در حال جنگ با عراق و پشت سر گذاشتن تحولات ابتدای انقلاب است و بنی‌صدر یا تحریکات فتنه‌انگیزانه، کشور را تا مرز بحران می‌کشد اما قانونگرایی و مواجهه قانونی بنی‌صدر آن هم در شرایط ابتدای انقلاب کم‌نظیر و شاید بی‌نظیر است، چنانکه در تاریخ خوانده‌ایم، تحولات انقلابی در بسیاری از کشورها برقا‌سا عمل می‌کند و خود را مُحق می‌بیند که با اسبم عدالت انقلابی، معارضین با انقلاب را از میان بردارد. اما بنی‌صدر حتی تا چند روز پیش از اینکه با لباس زنانه فرار کند، رئیس‌جمهوری اسلامی ایران است.

شاهد مثال‌های فراوانی برای قانونگرایی و اهمیت آن در تاریخ پس از انقلاب وجود دارد. بیش از ۳۵ انتخابات در این جمهوری برگزار شده است؛ فرآیندی که در دموکراسی‌های معمول در دنیا سابقه ندارد. در بیش از یک‌سوم کشورهای دنیا که ابدا سازوکار مشارکتی مناسب تعریف نشده است. در فرآیند مردمسالاری، تثبیت‌شدگی و نهادینگی مردمسالاری به پاسخگویی آن در شرایط عادی بازمی‌گردد و اینکه تا چه میزان توان جلب مشارکت سیاسی جامعه را داشته باشد. قوت آن نیز زمانی به سنجه درمی‌آید که در بحران‌ها و چالش‌ها به اصل مشارکت خللی وارد نشود. قطعاً آنچه به این موضوع یعنی سلامت انتخابات در ۳۷ سال گذشته قوام بخشیده است، حفظ اصل قانون و پذیرفتن رای مردم است.

چنانکه شاهد بودیم در جریان انتخابات خرداد ۸۸، تأکید بر

حفظ این دو رکن بود که توانست کشور را از دیکتاتوری که می‌رفت به آن دچار شود، نجات دهد. رهبری به‌عنوان رکنی مهم در قانون اساسی در همان ایام تأکید می‌کنند: «بنده زیر

بدرستی و با رعایت موازین قانون اساسی

در مقام ریاست‌جمهوری

در مقام رئیس‌جمهور

در مقام رئیس‌جمهور

در مقام رئیس‌جمهور

در مقام رئیس‌جمهور

در مقام رئیس‌جمهور

در مقام رئیس‌جمهور

در مقام رئیس‌جمهور

در مقام رئیس‌جمهور

در مقام رئیس‌جمهور

در مقام رئیس‌جمهور

در مقام رئیس‌جمهور

در مقام رئیس‌جمهور

در مقام رئیس‌جمهور

در مقام رئیس‌جمهور

در مقام رئیس‌جمهور

در مقام رئیس‌جمهور

در مقام رئیس‌جمهور

در مقام رئیس‌جمهور

در مقام رئیس‌جمهور

در مقام رئیس‌جمهور

در مقام رئیس‌جمهور

در مقام رئیس‌جمهور

در مقام رئیس‌جمهور

در مقام رئیس‌جمهور

در مقام رئیس‌جمهور

در مقام رئیس‌جمهور

در مقام رئیس‌جمهور

در مقام رئیس‌جمهور

در مقام رئیس‌جمهور

در مقام رئیس‌جمهور

در مقام رئیس‌جمهور

در مقام رئیس‌جمهور

در مقام رئیس‌جمهور

در مقام رئیس‌جمهور

در مقام رئیس‌جمهور

در مقام رئیس‌جمهور

در مقام رئیس‌جمهور

در مقام رئیس‌جمهور

در مقام رئیس‌جمهور

در مقام رئیس‌جمهور

در مقام رئیس‌جمهور

در مقام رئیس‌جمهور

در مقام رئیس‌جمهور

در مقام رئیس‌جمهور

در مقام رئیس‌جمهور

در مقام رئیس‌جمهور

در مقام رئیس‌جمهور

در مقام رئیس‌جمهور

در مقام رئیس‌جمهور

در مقام رئیس‌جمهور

در مقام رئیس‌جمهور

در مقام رئیس‌جمهور

در مقام رئیس‌جمهور

در مقام رئیس‌جمهور

در مقام رئیس‌جمهور

در مقام رئیس‌جمهور

در مقام رئیس‌جمهور

در مقام رئیس‌جمهور

در مقام رئیس‌جمهور

در مقام رئیس‌جمهور

در مقام رئیس‌جمهور

در مقام رئیس‌جمهور

در مقام رئیس‌جمهور

در مقام رئیس‌جمهور

در مقام رئیس‌جمهور

در مقام رئیس‌جمهور

در مقام رئیس‌جمهور

در مقام رئیس‌جمهور

در مقام رئیس‌جمهور

در مقام رئیس‌جمهور

در مقام رئیس‌جمهور

در مقام رئیس‌جمهور

در مقام رئیس‌جمهور

در مقام رئیس‌جمهور

در مقام رئیس‌جمهور

در مقام رئیس‌جمهور

در مقام رئیس‌جمهور

در مقام رئیس‌جمهور

در مقام رئیس‌جمهور

در مقام رئیس‌جمهور

در مقام رئیس‌جمهور

در مقام رئیس‌جمهور

در مقام رئیس‌جمهور

مروری بر رفتارهای غیردموکراتیک و غیرقانونی جریان اصلاحات

# ضد دموکراسی ضد قانون

■ **هادی قائم‌مقامی** ■

کشور اعلام شد تا از طریق این مرجع ابلاغ شود. آخرین تلاش این هیات برای بقای شورای اسلامی تهران، تشکیل جلسه‌ای ۷ ساعته بود که متأسفانه به‌رغم توافق مکتوب اعضای شورا بر عمل به دستور حکمیت، مورد عمل تعدادی از اعضا قرار نگرفت. به این ترتیب اصلاح‌طلبان شوری شهر را که به شکلی دموکراتیک بر سرکار آمده است منحل می‌کنند. یکی از روزنامه‌های خود جریان اصلاحات اذعان می‌کند که این اتفاق یک خودکشی سیاسی است: «برای ناظران سیاسی و مردم جای این سوال اساسی باقی است که چرا در پایتخت ام‌القرای اسلام مسائل شورا و شهرداری چنین گره خورده که کار به انحلال شورا کشیده است. این بزرگ‌ترین خودکشی سیاسی در ایران است. دولت اصلاحات به دست خود اصلی‌ترین نشانه برقراری دموکراسی را به سلخ دعواهای جناحی می‌برد. آیا دولت مدعی مردمسالاری باید نهادی را که نهاد دموکراسی است، فدای فرد کند؟ به فرض که شورای شهر تهران به علت چنددستگی و سیاسی‌کاری بد عمل کرد، در عوض شهردار تهران هیچ‌گونه تخلفی هم نکرده باشد. آیا در این صورت باید شورا را منحل کرد؟ چرا اکنون که در آستانه انتخابات شوراها قرار داریم، مردم را مایوس می‌کنیم؟»

قانون‌شکنی اصلاح‌طلبان در شورای شهر اول باعث کاهش دغدغه‌های مردم در انتخابات شورای آتی شد و در حالی که نظارت استصوابی شورای نگهبان وجود نداشت و مراحل اجرا کامل برعهده وزارت کشور و نظارت برعهده مجلس ششم با اکثریت اصلاح‌طلبان و همه مراحل اجرا و نظارت به دوش دولت بود، میزان مشارکت به پایین‌ترین حدنصاب در تاریخ انقلاب رسید. در این انتخابات با نقض‌های که دولت و مجلس اصلاحات کشیده بودند، از نظارت استصوابی شورای نگهبان خبری نبود به نحوی که علی تاجرنیا رئیس هیات نظارت که عضو اصلاح‌طلب مجلس ششم بود آن هنگام گفته بود: «ما تنها وابستگان به کومله، دموکرات و منافقین آنهم در صورت ارائه اسناد جدید از سوی وزارت اطلاعات را رد صلاحیت کردیم.»

با این همه در شرایطی که اصلاح‌طلبان با شعار دموکراسی، برخلاف آن عمل می‌کردند- آن هم در سال‌های اصلاحات-از سوی مردم اقبالی نیافتند، چرا که تلاش آنان در بی‌اعتنایی به قانون، مردم را از آنها ناامید کرده بود.

بر یکی دیگر از کارنامه این جریان ماجرای تحصن مجلس ششمی‌ها اتفاق می‌افتد. در آستانه انتخابات مجلس هفتم جمعی از نمایندگان مجلس ششم در اعتراض به رد صلاحیت‌های شورای نگهبان، دست به تحصن زده و استعفای دسته‌جمعی کرده و علیه شورای نگهبان شعارهای تندی را مطرح می‌کنند.قانون‌شکنان مجلس ششم سناریوی نخبمای فشار به شورای نگهبان را به نحوی کلید زدند که موسوی‌لاری وزیر وقت کشور در نامه‌ای به شورای نگهبان خواستار تعویق زمان برگزاری انتخابات شد. وزیر کشور دولت اصلاحات در نامه‌ای که به تحریک جبهه مشارکت به نگارش درآمده بود، به آیت‌الله جنتی نوشته بود: «به پیوست تصویر نامه استانداران سراسر کشور مبنی بر وجود شرایط نامناسب از جهات قانونی، سیاسی و امنیتی و فقدان زمینه رقابت واقعی و قابل قبول و عدم تأمین حقوق اساسی داوطلبان برای برگزاری انتخابات آزاد و سالم در اول اسفندماه و اعلام عدم امکان برگزاری انتخابات در موعد مقرر ایفاد می‌شود.»

تحصن مشارکتی‌ها، سازمان مجاهدین، اصلاح‌طلبان و اعضای نهضت آزادی و جبهه ملی در حالی رقم می‌خورد که سخنرانان این تحصن همواره نسبت به احراز صلاحیت‌ها توسط شورای نگهبان اعتراضات تندی را مطرح می‌کردند؛ به نحوی که بهزاد نبوی از گردانندگان اصلی این تحصن با تحریک متحصنان طی سخنانی می‌گوید: «شما با تحصن و ایستادگی خود توانستید یک کودتای پارلمانی و برنامه‌ریزی‌شده را که به تعبیر دوست و همکار عزیزمان آقای پورنجاتی مثل مورچه سیاه روی سنگ سیاه، آنچنان افشا کنید که ستاد ضداصلاحات با تمام توان ناچار شود با تمام توان به پیش بیاید و وارد میدان نشود تا شاید بتواند مانع عقب‌نشینی سربازان خود شود و این ستاد را به جایی رساندید که با خود مجبور باشد انتخابات فرمایشی را برگزار کند و ننگ آن را باطل کردن حق مردم است، رای مردم و زیر سوال بردن نهادهای دموکراتیک دندان آن هم این روزها پیداست.»



تاج‌زاده نیز که یکی از اصلی‌ترین عناصر فتنه سال ۸۸ است در نیز متحصنان مجلس ششم با اظهار اتهاماتی علیه جمهوری اسلامی وقاحت را از حد می‌گذرانند و می‌گوید: «با انتخابات مجلس آزاد برگزار می‌شود و مجلس خانه ملت است یا از هم‌اکنون نامشروع بودن انتخابات فرمایشی را به همه دنیا و تاریخ اعلام کردند.»

به‌رغم همه قانون‌شکنی‌ها انتخابات مجلس هفتم در موعد مقرر برگزار می‌شود و قانون‌شکنان راه به جایی نمی‌برند.

در جریان برگزاری انتخابات سال ۸۴، اگرچه دو تن از اصلاح‌طلبان پس از رد صلاحیت ابتدایی توسط شورای نگهبان

با نامه رئیس مجلس به رهبر معظم انقلاب تأیید صلاحیت

مروری بر رفتارهای غیردموکراتیک و غیرقانونی جریان اصلاحات

# ضد دموکراسی ضد قانون

■ **هادی قائم‌مقامی** ■

می‌شوند اما پس از برگزاری انتخابات اولین اعتراضات بی‌سند نسبت به انتخابات از سوی برخی اصلاح‌طلبان صورت می‌پذیرد. مصطفی معین که خود را نامزد جبهه دموکراسی و حقوق بشر اعلام کرده بود، در بیانیه‌ای بدون ارائه سند و مدرک مدعی دخالت سازمان‌یافته نظامی و نظارتی در روند انتخابات می‌شود و می‌نویسد: «هشیار باشیم که این قبیل تلاش‌های پیچیده و خزنده در نهایت در این کشور سرر از نظامی‌گری، اقتدارگرایی و خفقان سیاسی و اجتماعی درخواهد آورد. این روند تهدیدی برای جامعه مدنی و انسداد راه اصلاحات است. در روزهای پایانی انتخابات، اراده‌ای قاهر برای پیروزی یک کاندیدای خاص و حذف نامزدهای دیگر به میدان آمد و باب سازماندهی برخی نهادهای نظامی و حمایت دستگاه نظارتی انتخابات را گشود. این اقدامات، زنگ خطری برای «دموکراسی نوپا»ی ایران است و چنین روندی به «نظامی‌گری»، «اقتدارگرایی» و «خفقان سیاسی و اجتماعی» منجر خواهد شد. مردم «خطر فاشیسم، از میان رفتن نقش مردم و حذف جمهوریت» را جدی بگیرند.»

اتهامات ناروای معین به سازوکار انتخابات در جمهوری اسلامی در حالی اظهار می‌شود که دولت اصلاحات برگزارکننده انتخابات است.

هاشمی‌رفسنجانی که بد طولایی در نپذیرفتن حق‌الناس دارد اعلام می‌کند شکایت خود را به دنیای دیگر خواهد برد. در همین راستا مهدی کروبی هم اعلام می‌کند در انتخابات تقلب صورت گرفته است. مهدی کروبی پس از اعلام نتایج دور اول انتخابات که حاکی از راهیابی هاشمی رفسنجانی و محمود احمدی‌نژاد به دور دوم بود طی مصاحبه‌ای مدعی شد «آرا توسط شورای نگهبان دستکاری شده است.» او مشلبه آنچه کاندیدای مدعی تقلب در انتخابات سال ۸۸ مدعی آن شده بود، از پیروزی خود پیش از شمارش آرا اطمینان حاصل می‌کند و نتیجه خلاف آن را نمی‌پذیرد و در نامه‌ای سرگشاده می‌نویسد: حدود ساعت ۳ بامداد شبشنبه ۲۸ خردادماه که ثبت رسمی آرا در سایت انتخابات آغاز شد، تمام آمارهای رسمی رای اینجان را بسیار بالاتر از سایر کاندیداهای محترم نشان می‌داد. ساعت ۵ بامداد که اینجانب به استراحت پرداختیم، رای بنده حدود ۲۵ درصد و رای سایر کاندیداها کمتر از ۲۰ درصد بود. در همان ساعات بعضی از دوستان با توجه به آرای ۶۰ و ۷۰ درصدی در بعضی استان‌ها، معدل ۲۵ درصدی ثبت‌شده به نام اینجان را مشکوک می‌دانستند اما پس از حدود ۲ ساعت که از خواب بیدار شدم، مانند بیداری از خواب اصحاب کهف، دریافتیم که همه چیز تغییر کرده است.»

هاشمی هم گفته بود: «من معتمد در ابزار غیررأیی استفاده شد حال اسمش را هر چه می‌خواهید بگذارید من دست کاری در آرا، تعویض رای و استفاده از امکانات دولتی در انتخابات را ابزار غیررأیی می‌دانم اگر شما کشوری را به من نشان دهید که در دو دوره انتخاباتی رای ۷ میلیونی به ۱۷ میلیون و رای ۲۰ میلیونی به ۱۰ میلیون تبدیل شده باشد، من حرف شما را می‌پذیرم.» در ادامه اما یکی از صحنه‌های ظهور و بروز عدم اعتنا به رای مردم در انتخابات سال ۸۸ اتفاق می‌افتد. یکی از جدی‌ترین قانون‌شکنی‌های جریان اصلاح‌طلب نپذیرفتن رای مردم در انتخابات سال ۸۸ است. جدی‌ترین ظهور و بروز این ادعا باز هم به خانواده هاشمی بازمی‌گردد، زمانی که غفت مرعشی از مردم می‌خواهد اگر موسوی رای نیاورد به خیابان‌ها بریزند، موسوی خود نیز پیش از شمارش آرا و بازگشایی صندوق‌ها اعلام می‌کند برنده شده است. به فاصله چند ساعت پس از این اظهارنظر، فضا برای اظهارنظر‌های شتاب‌زده شدت می‌گیرد و از آنجا که اظهارنظر کاندیدای مغلوب، تصور عمومی بسیاری از کسانی که به وی رای داده‌اند را شکل می‌دهد، باور نتیجه واقعی و آنچه پس از شمارش آرا مشخص شد برای برخی شائبه‌هایی ایجاد می‌کند. در روزهای بعد این گروه ادعا می‌کنند که در انتخابات تقلب صورت گرفته است.

و برای مدت ۸ ماه کشور را دچار التهاب و بحران می‌کنند. رهبر انقلاب اخیرا در مورد فتنه سال ۸۸ گفتند: «یک بُعد دیگر حق‌الناس بودن، پذیرش نتیجه قانونی انتخابات است [یعنی] وقتی به یک نتیجه‌ای رسید و مراکز قانونی تصدیق کردند که این است، پذیرش این نتیجه است.حقوق‌الناس است.» ضد آن کاری که در سال ۸۸ انجام شد. خب! در سال ۸۸ یک حرف منکر و مستنکری را اامدند مطرح کردند که تقلب شده است و باید این انتخابات برهم بخورد؛ حالا مردم چقدر شرکت کردند؟ ۴۰ میلیون! ۴۰ میلیون نفر از مردم شرکت کردند در یک انتخاباتی و رأی دادند به کاندیداهای مختلف، نامزدهای مختلف؛ این آقایان به ادعای تقلب [این را گفتند]. البته بنده با اینها خیلی مماشاش کردم- حالا کارهای جزئی‌ای که انجام گرفت طولانی است- مماشاش کردیم، حرف زدیم، گفتیم بیایید بگویید بروند صندوق‌ها را نگاه کنند؛ هر تعداد صندوقی که شما می‌خواهید، اعتنا نکردند، گوش نکردند. بنا بر این نبود که زیر بار این حرف حق برونند، زیر بار حرف حق نرفتند و برای مملکت خسارت درست کردند. من نمی‌دانم بنا است این خسارت‌هایی که در سال ۸۸ بر ما وارد شد کی جبران بشود؟ واقعا نمی‌دانم! هنوز جبران نشده. این هم یکی که نتیجه انتخابات را همه بپذیرند.»



اشاره

برشی تاریخی از «معمای شاه»

قوام استالین را ۱-۳ برده؟

اخیرا در سریال «معمای شاه»، بخشی از تاریخ روایت شد که شاید جزو معدود برگ‌های

غرورآفرین ایران در میان سال‌های حقارت

ایران عزیز در دوره پهلوی بود. برگ زرینی که

بازخوانی آن همیشه جالب بوده است. البته آن

هم نه به دست یک پهلوی که به دست یک

کهنه سیاستمدار قاجار رقم خورد.

«احمد قوام‌السلطنه» نخست‌وزیر بر وقت

ایران در دیدار با استالین در شوروی و در

شرایطی که پس از پایان جنگ جهانی، شوروی

همچنان نیروهای خود را در ایران نگه داشته

بود به مذاکره برای خروج این نیروها و خروج

ایران از اشغال نظامی می‌نشیند.

او موفق می‌شود از استالین- پیروز جنگ

جهانی و یکی از به اصطلاح کدخدایان

وقت جهان- در ازای وعده نسیسه اختصاص

نفت شمال به آنها و نیز تقویت حزب توده

در ایران، خروج ارتش سرخ را تضمین کند

اما قوام‌السلطنه که می‌داند در صورت خروج

ارتش شوروی از ایران- به علت عدم ثبات

موازنه بین‌الملل پس از جنگ بین‌الملل دوم-

بعید است این کشور دوباره در ایران حضور

نظامی بیابد، عمل به وعده خود را با استناد

به قانون اساسی مشروطه به تصویب مجلس

شورای ملی موکل می‌کند تا به نحوی بتواند

زیر این قول بزند!

قوام که خود نگارنده فرمان مشروطیت

بوده، می‌داند حسب قانون در شرایط اشغال

کشور امکان برگزاری انتخابات نیست لذا از

شوروی می‌خواهد خیلی زود کشور را ترک

کند تا زودتر انتخابات برگزار شود و امتیاز نفت

شمال به آنان تصویب شود.

خلاصه آنکه شوروی می‌رود، لایحه قوام

هم در مجلس رای نمی‌آورد و قوام اینگونه سر

استالین کلاه می‌گذارد!

شرایط آن روز مذاکره قوام با استالین

و نحوه امتیاز گرفتن او بسیار شبیه امروز و

ماجرای مذاکرات هسته‌ای موقوع ما بود و

البته بسی عبرت‌آموز؛ هم دولت ما همچون

قوام می‌توانست مجلس را جدی وارد بازی

مذاکره‌اش کند و به این بهانه جای فرار برای

خود بگذارد. (همان کاری که دولت آمریکا

کرد و کنگره را وارد بازی کرد) و هم مجلس

می‌توانست مذاکره انجام شده را جدی گرفته و

جلوی زیاده‌خواهی را بگیرد.

اینها عبرت‌هایی است که تاریخ مجانی در

اختیار ما گذاشته بوده عبرت‌هایی که نگرفتیم.

در دیالوگ جالبی قوام به شاه گفت: «ما

سهه گل زدیم و یک گل خوردیم!» این جمله

با ادبیاتی مشابه مدتی قبل نیز پس از پایان

مذاکرات هسته‌ای توسط ریاست‌جمهوری

زده شد آنجا که وی مدعی شد در مذاکرات

هسته‌ای ۳ گل زده‌ایم و ۲ گل دریافت

کرده‌ایم!

حالا اما دولت قبیل از موعد و دقیقا

مخالف فنامه مدع دستوری رهبر انقلاب و

مصوبات مجلس اقدام به اجرای برجام کرد

و آمریکایی‌ها هر روز قوانین جدیدی را در

تقض صریح برجام مصوب می‌کنند. اقداماتی

که با سکوت دولتمردان ایرانی روبه‌رو شده و

حتی رسانه‌های زنجیره‌ای و پرشمار و برخی

مشاوران بدنه دولت در جایگاه وکیل مدافع

دشمن ظاهر شده و دشمن را بزک می‌کنند.

انفعال در سیاست خارجی ایران با حالتی

بی‌ازباعتنایی و سکوت همراه است، سکوتی که

بعضاممکن است هزینه‌های سنگینی‌رای نظام

جمهوری اسلامی ایران در فضای پسابرجام به

دنبال داشته باشد اما حال در فضای پسابرجام

بیم آن می‌رود که عدم موضع‌گیری سفت و

محکم در قبال کارشکنی‌های آمریکا اجرای

برجام را با خلل جدی مواجه کند و چنانکه

باید جمهوری اسلامی ایران نتواند از مواهب

توافق حاصل شده با حیل‌گری طرف مقابل

بهرمند شود. از وضع قانون جدید روایت‌در

آمریکا، تا برداشت غیرقانونی از پول‌های بلوکه

شده ایران گرفته و تحریم‌های جدید افراد و

نهادهای ایرانی و تصویب بودجه جدید برای

براندازی نرم و محول کردن آن به دوش جان

کری و… هر کدام گل‌هایی است که این روزها

از زوایای مختلف زمین دیپلماسی به ما زده